

مطالعه جامعه شناختی نقش باورهای فرهنگی جنسیتی در استعدادیابی ورزشی زنان

سهیلا عبدی نعمت آباد^۱، بهرام قدیمی^۲، شهلا حجت^۳، معصومه شجاعی^۴، زهرا علی پور درویشی^۵

چکیده

مطالعه ورزش بانوان به‌ویژه با رویکرد اجتماعی که کمتر مورد توجه قرار گرفته است از اهمیت و ضرورت ویژه ای برخوردار است. پیشرفت در این خصوص نیازمند تدوین برنامه استعدادیابی است که بتواند ورزشکاران را از ابتدا از میان سایر افراد جامعه متمایز نموده و به پرورش آنها بپردازد. استعدادیابی در تعامل با عوامل مختلف قرار دارد که باورهای فرهنگی جنسیتی از آن جمله است. چراکه به نظر می‌رسد ورزش بانوان در اکثر جوامع بیشتر در حاشیه بوده است و به همین دلیل جنسیت و هنجارهای مرتبط با آن، می‌تواند در فرایند استعدادیابی تأثیرگذار باشد. این مطالعه، به بررسی نقش باورهای فرهنگی جنسیتی در استعدادیابی ورزشی زنان پرداخته است. روش‌شناسی پژوهش، مبتنی بر رویکرد کیفی است که محقق از طریق مصاحبه‌های عمیق، به مطالعه موضوع پرداخته است. این پژوهش با استفاده از تحلیل کیفی برگرفته از مصاحبه‌های ساخت نیافته به مطالعه موضوع پرداخته است. و از بین سه گروه مربیان و مجریان، اساتید و متخصصان و بانوان ورزشکار قهرمان، اجرا شده است. در انتخاب نمونه، روش نمونه‌گیری معیار و هدفمند با رویکرد چندگانه بوده است محقق تعداد ۳۰ مورد نمونه را برای رسیدن به اشباع نظری کافی دانسته است. در نهایت، اصلاح نگرش‌های فرهنگ جنسیتی بازدارنده در جامعه، اصلاح انعکاس جنسیتی ورزش قهرمانی بانوان در رسانه‌ها و لزوم بازاندیشی فرهنگ جنسیتی از یافته‌های اساسی آن است.

واژگان کلیدی: استعدادیابی، باورهای فرهنگی جنسیتی، ورزش بانوان.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۰۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۱۹

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی ورزشی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: s.abdi.1393@gmail.com)

^۲ دانشیار جامعه‌شناسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: dr.b.ghadimi@gmail.com)

^۳ استادیار تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (Email: projeh.hojat@gmail.com)

^۴ دانشیار تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران (Email: e5shojaei@yahoo.com)

^۵ استادیار مدیریت، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: alipourdarvish.z@gmail.com)

مقدمه

ورزش به‌عنوان پدیده‌ی فراگیر اجتماعی، نسبت مشخصی با شرایط اجتماعی، جغرافیایی، زیستی، اقتصادی و سیاسی جوامع مختلف دارد. فراگیر شدن ورزش و اهمیت جایگاه آن در مناسبات بین‌المللی، توجه فراوانی را از ناحیه‌ی دولت‌ها متوجه این پدیده ساخته است. مسابقات مختلف قاره‌ای و جهانی و در رأس همه‌ی آن‌ها بازی‌های المپیک به عرصه‌ی رقابت جوانان برگزیده ورزشی ملت‌ها تبدیل شده و از این رهگذر علوم و فنون مختلفی در ورزش به کار گرفته شده است. با توجه به همین ماهیت فرهنگی و اجتماعی ورزش، همان‌گونه که در سایر حوزه‌های کنش اجتماعی، شاهد تفاوت‌های جنسیتی هستیم، در ورزش نیز دنیای ورزش مردان، با دنیای ورزش زنان کاملاً متفاوت است. این تفاوت هم به‌لحاظ پیوند با ساختارهای رسمی ورزش و هم در مواجهه با بستر فرهنگی جامعه، مشهود است. مرور تاریخی بیشتر جوامع، بیان‌کننده نقش حاشیه‌ای زنان در ورزش است که احتمالاً بخشی از آن متأثر از ایدئولوژی جنسیتی حاکم بر تصمیم‌گیرندگان ورزش زنان است. برای مثال در یونان قدیم و المپیک باستانی، حضور فعال زنان در ورزش‌های رسمی ممنوعیت داشت. هنوز هم کشورهایی هستند که مخالف با حضور ورزشکاران زن در مسابقات رسمی مانند المپیک هستند (نورعلی وند، ۱۳۹۶: ۹). لذا رابطه فرهنگ و باورهای جنسیتی با شیوه‌های پرورش استعدادها و ورزشی، نیازمند مطالعه و بررسی‌های اجتماعی است.

بیان مسأله

فرهنگ و جامعه می‌توانند تأثیر عمیقی بر رفتارهای حرکتی افراد، در حیطه ورزش و فعالیت‌های بدنی داشته باشند. از جمله بارزترین باورهای فرهنگی، باورهای جنسیتی هستند که نقش قابل‌توجهی در ورزش دارند. منظور از ورزش زنان مدیریت، پژوهش، نظریه‌پردازی، برنامه‌ریزی و اجرای امور مربوط به فعالیت و تمرین بدنی مرتب زنان به‌منظور تکمیل قوای جسمی و روحی آن‌ها است. فلسفه ورزش بر سلامت جسم و نشاط روانی زن و مرد تأکید دارد و توجه ویژه به ورزش زنان، کل جامعه را بهره‌مند خواهد ساخت. ورزش زنان، در سطح ملی در بخش کاهش آسیب‌های اجتماعی و بهبود شاخص‌های سلامت جسمی، روحی-روانی و اجتماعی، به‌شدت از هزینه‌های دولت می‌کاهد و در سطح بین‌المللی حضور یا عدم حضور زنان در فعالیت‌های ورزشی، شاخص جهانی از وضعیت اجتماعی زنان در جامعه است (منظمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۳). در اغلب جوامع، پاره‌ای از ورزش‌ها مخصوص پسران و برخی دیگر مخصوص دختران است که در جریان اجتماعی شدن، کودکان به ورزش‌هایی سوق داده می‌شوند که مناسب یک جنس است و خیلی زود، شاید در همان سال اول زندگی، شروع به یادگیری این نقش‌های جنسیتی می‌کنند. با این تفکیک جنسیتی، دختران به سمت فعالیت‌های محدود ترغیب می‌شوند و به‌واسطه آن، از ورزش‌ها و بازی‌های سخت پرهیز می‌کنند. حتی ورزش بانوان با ایدئولوژی مردانه اداره می‌شود و موانع ساختاری در این حوزه محدودیت‌ها را تشدید می‌کند.

تأثیر این باورهای جنسیتی نه‌تنها در مرحله انتخاب رشته ورزشی بلکه حتی در انعکاس فعالیت‌های ورزشی در جامعه نیز، مشهود است. تحقیقات بسیاری در کشورهای جهان بر نحوه انعکاس زنان ورزشکار در محتوای مطبوعات انجام گرفته است که قریب به‌اتفاق آن‌ها گویای سوگیری جنسیتی به نفع مردان، در انعکاس محتوای مطبوعاتی است. به‌عبارتی دیگر، مدیریت اخبار و گزارش‌ها در مطبوعات به نفع مردان بوده است (کشکر و دیگران، ۱۳۹۱: ۷). نتایج ۲۸۵ روزنامه در آمریکا در سال ۲۰۰۹ نشان داد که حدود ۲۵ درصد سردبیران، با این عبارت موافق‌اند که زنان به‌طور طبیعی در مقایسه با مردان از ویژگی‌های ورزشکاری کمتری برخوردارند. حتی حدود نیمی از سردبیران اعتقاد دارند که ورزش مختص مردان است. همچنین گرین‌وود و همکاران در سال ۲۰۱۰ نشان دادند که در تلویزیون استرالیا، به مردان بیش از زنان پرداخته می‌شود و میزان تمرکز بر موفقیت‌ها و قابلیت‌های زنان در مسابقات، قرار گرفتن عکس و خبر آن‌ها بر جلد نشریات است، درحالی‌که مردان بدون توجه به نتیجه مسابقات خود، همواره تمایل دارند که بر جلد نشریات قرار گیرند (کشکر و دیگران، ۱۳۹۱: ۹).

با توجه به همه این حساسیت‌ها، ضرورت دارد برای استعدادیابی ورزش بانوان، برنامه خاصی طراحی شود و نقش و تأثیر عوامل مختلف از جمله باورهای فرهنگی و جنسیتی، در کشف و پرورش استعدادها و ورزشی زنان، مورد مطالعه قرار گیرد. تا رویه‌های هدفمند و هماهنگی در استعدادیابی ورزش زنان در کشور به کار گرفته شود. شناخت رویه‌های اجتماعی و به‌ویژه باورهای فرهنگی جاری، از ضرورت‌های دست‌یابی به الگوهای مؤثر استعدادیابی در این حوزه است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

با شتاب روند مدرنیته، جهان به پدیده‌ای چند فرهنگی تبدیل شده است. فناوری پیشرفته، انسان‌ها را از کارخانه‌های تولید صنعتی بیرون رانده، زمان و فضا به واسطه ارتباطات و سیستم‌های حمل‌ونقل پرسرعت به میزان قابل توجهی تغییر کرده است و مرزهای میان ملل، انسان‌ها و فرهنگ‌ها نفوذپذیر شده‌اند، می‌توانیم به چرخش نامحسوس اما حقیقی کانون توجه اندیشه اجتماعی به مسائل مربوط به بدن، شهروندی، نظام اطلاعات، جهانی شدن و جهان‌های سبیرنتیک اشاره کنیم (سیدمن، ۱۳۸۶: ۳۵۷). در این میان ورزش نیز از موضوعاتی است که به تناسب این تغییرات فرهنگی در مرکز توجهات قرار گرفته و دیگر یک مقوله فیزیولوژیکی و یا تفریحی - فراغتی صرف، دیده نمی‌شود بلکه دارای نقش و پایگاه فرهنگی و اجتماعی نیز هست و چه بسا این وجه، پررنگ‌تر شده است. بر اساس گزارش سازمان ملل، ورزش می‌تواند سلامت جسمانی و رفاه را افزایش، ارزش‌های لازم و مهارت‌های زندگی مانند همکاری و احترام را آموزش دهد، در روند توسعه دوران کودکی نقش مؤثری را ایفا کند، تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی را کمتر کند، کودکان را متحد کرده، آن‌ها را تشویق کند و روابط کودکان و بزرگسالان را تقویت کند.

در فرهنگ ایران زمین قبل و بعد از اسلام، پرورش جسمی از امور ارزشمند بوده است. اما موانع اجتماعی و فرهنگی و عدم تعادل نقش دو جنس در مدیریت ورزش، ورزش زنان را در زیر سایه ورزش مردان کم‌رنگ نموده است. چرا که یا امکان کسب موفقیت برای زنان کمتر در دسترس بوده است و یا توفیق زنان در ورزش، کمتر بیان، ثبت و مستندسازی می‌شود. پس از انقلاب اسلامی، اگرچه تفکیک ورزش زنان از مردان به‌عنوان یکی از راه‌های ایجاد فضای سالم ورزش برای دختران امیدهایی را در جهت کشف و پرورش بهتر استعدادها و دختران ایجاد نمود اما نسبت به ورزش مردان، از لحاظ اختصاص تجهیزات ورزشی و به‌خصوص مکان ورزشی و اعتبارات مورد نیاز، آن‌گونه که باید، مورد توجه قرار نگرفت. این درحالی که است که همواره ورزش قهرمانی مورد توجه و علاقه‌ی مردم و مسئولان کشور است و به همین دلیل سالانه بخش زیادی از منابع مادی و معنوی صرف این امر می‌شود. اما متأسفانه اولویت‌بندی دقیقی در ورزش قهرمانی کشور وجود ندارد یا اگر در طرح جامع ورزش کشور به آن پرداخته شده است، مورد توجه قرار نمی‌گیرد، بلکه فعالیت‌ها و برنامه‌ها، بدون چشم‌انداز روشن و منطقی که در سطح ملی پذیرفته شده باشند، به اجرا گذاشته می‌شوند و تحقق آرزوهای بزرگ به صورت تصادفی و سلیقه‌ای تعقیب می‌شوند. این درحالی که است که زنان در بسیاری از حوزه‌ها هنوز نتوانسته‌اند از حمایت‌های قانونی لازم بهره‌مند گردند و با وجود تلاش‌های بسیار، هنوز با این هدف فاصله دارند. رشد اجتماعی زنان، افزایش آمار دختران دارای تحصیلات عالی و ورود به عرصه‌های مختلف اجتماعی نکات مثبتی در بهبود شرایط زنان جامعه هستند اما در حوزه‌های سیاسی و مدیریتی همچنان چالش‌های جدی برای حضور زنان وجود دارد. پس ضروری است که جهت اصلاح الگوهای رایج استعدادیابی به نفع توجه بیشتر به ورزش زنان، زمینه‌ها و شرایط مختلف مورد مطالعه و پژوهش قرار گیرد که از جمله آن‌ها، باورهای فرهنگی و جنسیتی است که به نظر می‌رسد از فاکتورهای تأثیرگذار در ورزش بانوان باشد چرا که شواهدی در میادین ورزشی بانوان، گویای این تأثیرگذاری هستند.

هدف پژوهش

بررسی جامعه‌شناختی نقش باورهای فرهنگی در استعدادیابی ورزشی زنان

پیشینه پژوهش

هنگامی که از تأثیر باورهای فرهنگی بر استعدادیابی سخن می‌گوییم، دو حوزه گسترده مدنظر است. یکی میدان کلان باورهای فرهنگی به‌ویژه در حوزه باورهای جنسیتی و دیگری میدان ورزش، که خود عرصه مطالعاتی فربه و عمیقی را می‌طلبد. در گام نخست به بررسی و واکاوی مطالعاتی پرداخته‌شده است که این دو حوزه را مورد توجه داشته‌اند البته با این توجه که هنوز توسعه مطالعات اجتماعی در ورزش، چالش‌های اساسی را دارد.

در بررسی پژوهش‌های خارجی این موارد قابل توجه هستند:

- بویزی و همکاران (۲۰۱۳) در خصوص نمایش جنسیت در ورزش در کانال یک تلویزیون در سال ۲۰۱۰ نشان دادند؛ ورزشکاران زن کمتر از ورزشکاران مرد در میدانی ورزشی و بیشتر به‌صورت غیرفعال نمایش داده شده‌اند.
 - نتایج تحقیق کینگ (۲۰۰۷) در مورد تصاویر رسانه‌ای از ورزشکاران زن و مرد نشان داد پوشش خبری ورزشکاران زن در بازی‌های المپیک ۲۰۰۴ آتن، در مقایسه با مردان کمتر نمایش داده شده است.
 - نتایج تحقیق لاورینک و همکاران (۲۰۰۶) در تحلیل محتوای گزارش‌های حوادث ورزشی روزنامه‌ها از جهت نابرابری جنسیتی، نشان داد روزنامه‌ها فضای کمتر، مقالات کمتر و توجه کمتری را به ورزشکاران زن ارائه می‌کنند. عکس ورزشکاران مرد در مکان‌های بهتر و در رنگ‌بندی‌های بهتری نمایش داده شده بود. تصاویر ورزشکاران زن بیشتر به خصوصیات فیزیکی و نه نقش آن‌ها در ورزش تأکید داشت.
 - هاردین و همکاران (۲۰۰۵) در بررسی سرمقاله‌های عکس‌دار معتبرترین مجله دوومیدانی آمریکا در دوره زمانی (۱۹۹۲ تا ۲۰۰۱) بیان می‌کنند باوجودی که این مجله به‌منظور افزایش سلطه مردان در فرهنگ آمریکایی به کار می‌رفت، ولی درصد قابل توجهی از عکس‌هایش به زنان اختصاص داشته و به‌این ترتیب در راستای معرفی دوندگان زن توانسته دیدگاه خوانندگان خود را تغییر دهد.
 - ووگن (۲۰۰۹) تحقیقی را باهدف تعیین فاکتورهای مؤثر بر شرکت زنان میان‌سال و مسن آمریکای لاتین در فعالیت‌های ورزشی انجام داد. زنان شرکت‌کننده در این تحقیق شامل ۲۵۰ زن در دو گروه سنی ۶۰-۴۰ ساله و ۸۱-۶۱ ساله بودند. چندین عامل که به‌عنوان موانع شرکت در فعالیت‌های جسمانی آن‌ها ذکر شد شامل: بیماری جسمانی یا ناتوانی، درد، خستگی، فقدان خودانگیزگی، اضطراب، نگهداری از کودکان، کارهای روزمره، محدودیت‌های زمانی (انجام امور خارج از منزل) و شرایط نامساعد محیطی مثل آب‌وهوای گرم و بارانی بود.
 - کاسپر و اندرو (۲۰۰۷) با مطالعه ۷۶۰ بازیکن تنیس تفریحی و دانشگاهی، به این نتیجه رسیدند که بازیکنان دانشگاهی سطوح بالاتری از تعهد ورزشی را دارند که این تعهد بیشتر تحت تأثیر فرصت‌های مشارکت و محدودیت‌های اجتماعی بود. همچنین مؤلفه لذت ورزشی در بازیکنان دانشگاهی در مقایسه با بازیکنان تفریحی در سطوح پایین‌تری بود. علاوه بر این، آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که در بازیکنان حرفه‌ای سطح تعهد بالاتری در مقایسه با بازیکنان متوسط و مبتدی وجود دارد که فرصت‌های مشارکت و محدودیت‌های اجتماعی عوامل تأثیرگذار بر تعهد آن‌ها بود و در آن‌ها لذت ورزشی در سطح پایینی گزارش شد.
- در واکاوی پژوهش‌های داخلی نیز می‌توان این نکات را عنوان کرد:
- در جدیدترین پژوهش‌ها، صمد عابدینی و شیدا طالبی، در سال ۱۳۹۶، در پژوهشی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با گرایش شهروندان خلخال به ورزش را مورد بررسی قرار داده‌اند که تأثیر باورهای فرهنگی به مقدار قابل ملاحظه‌ای در این مطالعه دیده می‌شود.

- همچنین علی نورعلیوند، امیر ملکی مهربان پارسا مهر و حمید قاسمی، در سال ۱۳۹۶، مشارکت ورزشی بانوان در ایلام را با تأکید بر هنجارهای جنسیتی، مورد مطالعه قرار داده‌اند.
 - سارا کشکر، حمید قاسمی و اعظم شیرویی، در سال ۱۳۹۱، به تأثیر باورهای جنسیتی در انعکاس فعالیت‌های ورزشی بانوان پرداخته‌اند.
 - مریم منظمی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «تعیین عوامل مؤثر بر توسعه تربیت‌بدنی و ورزش بانوان» از نوع توصیفی و به صورت میدانی با ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه محقق ساخته، جامعه و نمونه آماری مدیران زن تربیت‌بدنی و ورزش، در سال ۱۳۸۸ به نتایجی دست یافتند که نشان می‌دهد عوامل مالی و امکاناتی، انسانی و تخصصی، ساختاری و مدیریتی، و فرهنگی و اجتماعی به ترتیب اولویت بر توسعه تربیت‌بدنی و ورزش بانوان جمهوری اسلامی ایران مؤثرند.
 - علیرضا مومنی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی موانع پیش روی بانوان در انجام فعالیت‌های ورزشی» از نوع توصیفی - پیمایشی با جامعه آماری ۲۲۰ نفر از بانوان ورزشکار سازمان‌دهی شده سمنان، نمونه آماری ۱۹۶ نفر و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به نتایجی دست یافتند که نشان داد عدم توجه مسئولان به ورزش زنان، وجود فرهنگ مرد محوری، کمبود وقت و زمان، وضعیت اقتصادی و عدم سرمایه‌گذاری لازم در توسعه‌ی اماکن ورزشی زنان مهم‌ترین موانع است.
 - نازنین راسخ و مجتبی امیری (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «مطالعه تطبیقی ورزش قهرمانی بانوان کشورهای منتخب با رویکرد استراتژیک» از نوع کیفی، جامعه آماری سازمان‌های ورزشی کشورهای دارای برنامه استراتژیک ورزش قهرمان $N=7$ و نمونه آن کشورهای استرالیا، فنلاند، آفریقای جنوبی، بریتانیا، کانادا و ایران و روش اندازه‌گیری کتابخانه‌ای به نتایجی دست یافتند که نشان داد در ایران به‌طور عام در مورد ورزش قهرمانی و به‌طور خاص در مورد ورزش قهرمانی بانوان برنامه‌های استراتژیک ارائه‌شده ولی در کشورهای منتخب برنامه جداگانه‌ای برای ورزش بانوان تدوین نشده است.
 - مریم علیشاهی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای بخش ورزشی مطبوعات استان خوزستان با رویکرد ورزش بانوان»، جامعه آماری ۶ روزنامه استان خوزستان منتشرشده در سال ۱۳۹۱، روش نمونه‌گیری تصادفی منظم و بر مبنای هفته آماری که از هر روزنامه دو هفته آماری انتخاب شد و ابزار اندازه‌گیری برگه کدگذاری به نتایجی دست یافتند که نشان می‌دهد تفاوت فاحشی بین پوشش خبری ورزش زنان نسبت به مردان وجود دارد.
- در کل، بررسی مطالعات فوق‌گویی آن است که بیشترین تحقیقات در حوزه روش‌های کمی و پیمایش انجام پذیرفته است؛ این در حالی است تجربیات علمی نشان داده‌اند که پژوهش‌های کمی با وجود ویژگی‌های مثبت، از بررسی عمقی و ژرفانگرانه در نگرستن به موضوعات پژوهش ناتوان‌اند. در واقع محقق در این رساله به بخش مغفول مانده در این حوزه به لحاظ روش‌شناسی پرداخته است. هم‌چنین قریب به اتفاق پژوهش‌ها در حوزه ورزش بانوان به لحاظ موضوعی به مطالعه یک ورزش خاص و اقبال بانوان به سوی آن ورزش است. در صورتی که محقق در این پژوهش، نگاه کلان به میدان ورزش دارد و می‌توان گفت که نگاه جنسیتی در تعلق موضوع بیشتر مطالعات، به ورزش مردان نیز قابل دریافت است.

روش تحقیق

این پژوهش رهیافت کیفی را مدنظر داشته است و با استفاده از تحلیل کیفی برگرفته از مصاحبه‌های ساخت نیافته به مطالعه موضوع پرداخته است. از آنجاکه در مصاحبه ساخت نیافته، هم محقق و هم پاسخگو از آزادی عمل و بیان بیشتری برخوردارند، لذا این نوع مصاحبه از اهمیت خاصی برخوردار است که در سه گروه مریبان و مجریان، اساتید و متخصصان و بانوان ورزشکار قهرمان، اجرا شده است.

در انتخاب نمونه در بخش کیفی این مطالعه روش نمونه‌گیری معیار و هدفمند با رویکرد چندگانه بوده است و با توجه به ملاحظات که در مورد انتخاب نمونه کیفی گفته شد، تعداد ۳۰ مورد نمونه، جهت مطالعه انتخاب گردید. محقق این مقدار را برای رسیدن به اشباع نظری کافی دانسته است. نقطه عزیمت محقق به اشباع نظری است که می‌تواند کفایت گردآوری داده‌ها را اعلام کند.

مفاهیم پژوهش

استعدادیابی

استعدادیابی فرایندی است که از طریق آن نوجوانان و جوانان ارزیابی می‌شوند و به شرکت در رشته‌های مناسب که امید موفقیت بیشتری از آن‌ها می‌رود، تشویق و هدایت می‌شوند. هدف اصلی استعدادیابی، شناسایی و انتخاب ورزشکارانی است که بیشترین توانایی را برای رشته‌ی خاص دارا باشند. بسیاری از باشگاه‌ها بازیکنان مستعد را در سنین نسبتاً پایین ثبت‌نام می‌کنند و تحت برنامه‌های تخصصی قرار می‌دهند تا توانایی‌های آنان را تکمیل کنند. بنابراین، انتخاب، رشد و راهنمایی حرفه‌ای بازیکنان جوان در صدر اولویت‌های بسیاری از باشگاه‌های درجه‌ی اول قرار گرفته است تا بتوانند مقام و وضعیت تجاری و ورزشی‌شان را حفظ کنند.

استعدادیابی ورزشی

فرایندی است که بر اساس نتایج آزمون‌هایی خاص، معیارها و شاخص‌های لازم، شناسایی شده و کودکان به سمتی که در آن احتمال موفقیت دارند، سوق داده می‌شوند. استعدادیابی فرایند شناسایی ورزشکارانی است که توانایی بالقوه‌ای برای نخبه شدن دارند. می‌توان گفت پیش‌بینی اجرا در ورزشکاران از طریق سنجش ویژگی‌های جسمانی، روانی - اجتماعی و تکنیکی (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۰).

استعدادیابی فرایندی علمی و هدفمند است که در آن کودکان و نوجوانان از طریق برخی آزمون‌ها و معیارهای استاندارد ارزیابی می‌شوند تا به شرکت در رشته‌های ورزشی مناسب که امید موفقیت بیشتری از آن‌ها می‌رود، تشویق و هدایت شوند. بررسی تاریخچه‌ی استعدادیابی نشان می‌دهد که مریدان طی پنجاه سال اخیر به مقوله‌ی استعدادیابی پرداخته و ورزشکاران را به‌طور غیررسمی طبقه‌بندی کرده‌اند (حسینی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۰). استعدادیابی ورزشی را می‌توان شناسایی پتانسیل‌های بالقوه و ویژگی‌های انسانی که تحت تأثیر عوامل مختلف ژنتیکی، جسمانی و رفتاری قرار دارد، معرفی کرد. با این رویکرد، شناخت قابلیت‌ها و شیوه ارزیابی و شناسایی همه‌جانبه، تعیین میزان و نقش بخش‌های مختلف تأثیرگذار در هدف پیشگویی، هدایت صحیح با حداقل خطا با نگاه به اجرای بهینه و ایمن مهارت‌های ورزشی، نقشی مهم در فرآیند استعدادیابی ایفا می‌کند. شناسایی مستعدترین ورزشکاران و شرکت آنان در برنامه تمرینی منسجم و سازمان‌یافته، یکی از اولویت‌های کاری دست‌اندرکاران ورزشی شده است. در ورزش همانند هنر آنچه اهمیت دارد این است که افراد بااستعداد بالا، کشف و شناسایی شده، در سنین اولیه و پایه انتخاب شوند و به‌طور مداوم، کنترل و تا رسیدن به بالاترین درجه مهارت، حمایت شوند (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۷).

استعدادیابی ورزشی از نوجوانی توسط معلمان و مریدان ورزشی در آموزشگاه‌ها آغاز می‌شود و به‌کارگیری ابزار و روش‌های مناسب و یکسان، باعث ایجاد وحدت رویه در استعدادیابی ورزشی خواهد شد. صرفه‌جویی و بیهوده هزینه نکردن وقت و سرمایه یکی از اصولی‌ترین اصول و رمز موفقیت در تمام امور کشورهای پیشرفته است. در ورزش قهرمانی که امروزه به‌عنوان یکی از ارکان مهم در بین کشورها به دلایل متعدد مطرح است، از مدت‌ها پیش موضوع استعدادیابی مطرح بوده و هست. آنچه مسلم است سؤالات و اختلاف‌نظرهای بسیاری پیرامون موضوع استعدادیابی وجود دارد و در کشورهای مختلف الگوهای متنوعی را برای کشف استعدادها و ورزشی به کار می‌گیرند اما بی‌تردید کشف استعداد در هر زمینه‌ای و از جمله ورزش به‌خصوص نیاز به یک حداقل ابزار و اطلاعات دارد. علاوه بر آن، بعد از کشف استعداد، چگونگی پرورش یافتن استعداد نیز، امری بسیار پیچیده و دشوار است. بدون رشد و پرورش درست، استعدادیابی فرایندی بیهوده و فاقد ارزش است و ناتمام و بی‌نتیجه خواهد ماند. با مروری بر متون موجود و نگاهی بر شیوه‌های استعدادیابی ورزشی در کشورهای مختلف، به‌روشنی می‌توان دید الگوهای مختلفی، متناسب با شرایط امکانات و توانایی‌های موجود استفاده می‌شود که حاصل پژوهش‌ها و مطالعاتی است که توسط متخصصین صورت پذیرفته است.

در شناسایی استعدادها توجه به این نکته اهمیت دارد که تفاوت‌های افراد در استعدادها نشان نسبی است و به‌طور مطلق نمی‌توان فردی را با استعداد و فرد دیگر را بی‌استعداد معرفی نمود. از آنجا که استعداد را تا حدودی اختصاصی هستند، ممکن است فردی برای فعالیتی خاص، با استعداد و برای فعالیت دیگری، کم استعداد باشد. دامنه استعداد، در بعضی افراد گسترده و در بعضی دیگر، محدود است.

باورهای فرهنگی - جنسیتی

نابرابری جنسیتی مقوله‌ای است که از آغاز سده‌دهم تاریخ تاکنون همراه بشریت بوده و هر زمان و در شرایط و فرهنگ‌های مختلف به‌گونه‌ای مطابق با آن شرایط و فرهنگ جلوه کرده است. برابری و نابرابری جنسیتی از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است (ایوت، پاملا: ۱۳۷۶). این نابرابری‌ها در حوزه ورزش هم به شکل مشهودی قابل درک است. فرایندهای اجتماعی و فرهنگی موجب رشد فزاینده مشارکت ورزشی در زندگی مردم می‌شود. اهمیت تأثیرات متقابل در ورزش و ابعاد گوناگون اجتماعی و فرهنگی به‌اندازه‌ای است که توجه اولین جامعه‌شناسان و پیشگامان جامعه‌شناسی ورزش همچون مارسل موس، یوهان هویزینگر، رژه کایووا، نوربرت الیاس و پیر بوردیو را به خود جلب کرده است. پیر بوردیو بر اساس نظریه تمایز خود، ورزش افراد و گروه‌ها را دقیقاً بر اساس سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی آن‌ها تحلیل کرده است. پیروان نظریه فمینیستی نیز با تأکید بر جنسیتی بودن فعالیت ورزشی معتقدند معنا، سازمان و هدف ورزش در ارزش‌ها و تجربه مردان ریشه دارد و برای تجلیل از خصوصیات و مهارت‌های مربوط به مردانگی در جامعه تعریف شده است (عابدینی، طالبی، ۱۳۹۶: ۱۳۷). گریندوفر، بیان می‌کند که باورهای جنسیتی بسیار قدرتمند، فراگیر و مؤثر بر تمام ابعاد زندگی هستند و باورها و رفتارهای جنسیتی حتی در کودکی هم آشکار است. والدین، معلمان، رسانه‌های گروهی و جامعه‌پذیرکننده‌های دیگر، باورهای جنسیتی را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم منتقل می‌کنند. باورهای جنسیتی بر فرایندهای اجتماعی، به‌ویژه ارزیابی اجتماعی و جانب‌داری جنسیتی تأثیر دارد. سیستم باورهای جنسیتی در ورزش و فعالیت فیزیکی نفوذ می‌کند و فعالیت‌های ورزشی با تفکرات قالبی جنسیتی و باورهای جنسیتی مرتبط است (کشکر و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۲).

کالینز معتقد است که کنترل بر ابزار و منابع سلطه‌چیزی بیش از تفاوت‌های قدرت فیزیکی در بین افراد است و این کنترل از طریق قدرت‌های فراتر از دو جنس می‌تواند تعدیل یا تقویت شود. نظام حقوقی با دولت و حضور یا عدم حضور خویشاوندان، بر نوع و ماهیت مناسبات زن و مرد تأثیرگذارند (کشکر و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۳).

بدین گونه و از آنجا که ورزش پدیده‌ای است یا ماهیت اجتماعی غیرقابل انکار، تأثیر باورهای اجتماعی و که باورهای فرهنگی جنسیتی از شاخص‌ترین آن‌ها هستند، در ورزش نیز، امری حائز اهمیت و درخور پژوهش و مطالعه است.

یافته‌های پژوهشی

✓ افزون بر چالش‌های ساختار اجتماعی و اقتصادی، ساختارهای فرهنگی نیز در رشد و یا توقف فرایند استعدادیابی ورزشی بانوان، تأثیرات برجسته‌ای دارند که شاخص جنسیت یکی از این موارد است و این تأثیرات در این پژوهش به‌خوبی نمایان گردید. به چند نمونه از نکات دریافتی از نظر مصاحبه‌شوندگان که منجر به دشوارتر شدن مسیر کشف و رشد استعداد ورزشی و کسب جایگاه اجتماعی ورزشکاری و تأثیر اجتماعی ورزشکار زن بر جامعه شده است و انگیزه مثبت جهت پیگیری و ورود به عرصه ورزش از سوی زنان و دختران را با چالش روبه‌رو ساخته است، اشاره می‌کنیم:

✓ " زنان ورزشکار ما اصلاً دیده نمی‌شن. اصلاً جایگاه خودشون رو که استحقاقش رو دارن در جامعه کسب نمی‌کنن. اصلاً جایگاه اجتماعی متناسب با مقامشون رو ندارن. یک ورزشکار خانم که درجه یا مقام ورزش اش با یک آقا برابر هست؛ اون آقا دیده میشه، معرفی میشه، تبلیغات میشه برایش ولی همون خانم که مقامش با آقا برابره، نه "

✓ فرد دیگری از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

✓ "خونواده ها دختراشون رو به امر ورزش تشویق نمی کنن. یا اصلاً عرصه های ورزشی رو بهش معرفی نمی کنن تا دختران یا زنان با این عرصه ها آشنا به شن".

می توان یافته های تحلیل کیفی مصاحبه ها را در نمودار زیر تصویر کرد:

جدول (۱): تحلیل کیفی باورهای جنسیتی ورزش بانوان

کم اهمیت شمردن برنامه های استعدادیابی بانوان
تأخر استعدادیابی بانوان نسبت به آقایان
جنسیتی بودن اولویت های استعدادیابی بانوان
نابرابری اعتبارات حوزه ورزش بانوان
نگاه جنسیتی فرهنگ عمومی و خانواده به ورزش بانوان
کلیشه های سنتی - مذهبی محدودکننده فعالیت ورزشی بانوان
انعکاس رسانه ای ورزش بانوان
تأثیر سبک زندگی سنتی و نقش های زنانه در ورزش بانوان

↓

اصلاح نگرش های فرهنگ جنسیتی بازدارنده
اصلاح انعکاس جنسیتی ورزش قهرمانی بانوان در رسانه ها
لزوم بازاندیشی فرهنگ جنسیتی

راهکارها و پیشنهادات

مقوله های حاصل از پژوهش حاضر پیشنهاداتی را مفروض می دارد که بدین قرار است:

- لزوم اصلاح نظام جامع تربیت بدنی در حوزه ورزش بانوان. در حوزه ورزش بانوان نیازمند طراحی، ساماندهی و اجرای نظام جامع تربیت بدنی با استفاده از تجارب الگوهای رایج و موفق جهانی هستیم.
- تغییر سیاست گذاری های فرهنگی ورزش بانوان. قبل از هرگونه اقدام اجرایی، می بایست سیاست های تربیت بدنی بانوان، مورد تجدیدنظر قرار گیرد و حتی در بعد وسیع تر، سیاست های کلان فرهنگی جامعه بر اساس یک برنامه پژوهش محور، ارزیابی شود.
- توجه به افزایش سهم رویکرد اجتماعی به ورزش بانوان. آنچه مشکلات ورزش بانوان را جدی تر ساخته، ضعف رویکردهای اجتماعی به مقوله ورزش در معنای عام و ورزش بانوان در شکل اختصاصی آن است. چراکه بیشتر مطالعات تربیت بدنی، به مقوله فیزیولوژی ورزشی و ابعاد فیزیکی و فنی، توجه داشته اند و فقر جدی در حوزه مطالعات اجتماعی ورزش بانوان وجود دارد.
- اصلاح ساختار حمایت رسانه ای ورزش بانوان. دنیای امروز، دنیای ارتباط و رسانه هاست. به ویژه با رشد رسانه های نوین ارتباطی، برخورداری از حمایت رسانه ای و لزوم دیده شدن و دریافت انگیزه های حمایتی از انعکاس خبری، در ورزش امری اجتناب ناپذیر است. در جامعه ما به دلیل باورهای فرهنگی خاص و جنسیت زده، تفاوت آشکاری میان انعکاس رسانه ای ورزش مردان و زنان دیده می شود. لذا باید راهکارهای درستی برای ایجاد برابری در این زمینه طراحی شود تا با ملاحظه حساسیت های فرهنگی، ورزش زنان را از حمایت رسانه ای قابل قبولی برخوردار سازد.
- تجدیدنظر در نظام تخصیص منابع مالی، نیروی انسانی و امکانات ورزشی. در نظام بودجه ریزی و برنامه ریزی، معمولاً ورزش بانوان، اولویت درجه دو تلقی می شود. با این نگاه، اختصاص منابع مالی و انسانی و تجهیزات و فضاهای ورزشی، بر مبنای نیاز ضرورت های اجتماعی و به کفایت، صورت نمی گیرد. تغییر چنین رویکردی از ضرورت های تغییر در ورزش بانوان است که البته مستلزم بازنگری در نگرش های فرهنگ جنسیتی در مورد ورزش است.

۱. ایوت، پاملا و والاس، کلر (۱۳۷۶). "درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی". ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی. تهران، انتشارات دنیای مادر.
۲. حسینی، الهه؛ بحرالعلوم، حسن و علی‌ئی، مریم (۱۳۹۲). "ارتباط بین انگیزه‌های مشارکت، لذت و تعهد ورزشی بانوان شرکت‌کننده در فعالیت‌های ورزشی". پژوهش‌های کاربردی در مدیریت دوره‌ی ۲. شماره ۳ (پیاپی ۷). زمستان ۱۳۹۲. صص ۴۷-۳۷.
۳. حسینی، الهه؛ بحرالعلوم، حسین و حسینی‌نیا، سید رضا (۱۳۹۲). "بررسی مدل تعهد ورزشی بانوان شرکت‌کننده در فعالیت‌های ورزشی". مدیریت ورزشی. خرداد و تیر ۱۳۹۴. دوره ۷. شماره ۲. صص ۳۰۷-۲۹۳.
۴. راسخ، نازنین و امیری، مجتبی (۱۳۹۱). "مطالعه تطبیقی ورزش قهرمانی بانوان کشورهای منتخب با رویکرد استراتژیک". مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۲۵. مهر و آبان ۱۳۹۳. صص ۱۰۰-۷۹.
۵. راسخ، نازنین؛ سجادی، سید نصراله؛ حمیدی، مهرزاد و خیری، محمد (۱۳۹۴). "طراحی و تدوین برنامه‌ی راهبردی ورزش قهرمانی بانوان کشور ایران". مدیریت ورزشی. مرداد و شهریور ۱۳۹۴. دوره ۷. شماره ۳. صص ۳۳۴-۳۰۹.
۶. سیدمن، استیون (۱۳۹۵). "کشاکش آرا در جامعه‌شناسی". ترجمه هادی جلیلی.
۷. عابدینی، صمد و طالبی، شیدا (۱۳۹۶). "عوامل اجتماعی فرهنگی مرتبط با میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی در خلخال". فصل‌نامه جامعه‌شناسی کاربردی.
۸. کشکر، سارا؛ احسانی، محمد و قاسمی، حمید (۱۳۹۰). "رابطه تحصیلات با میزان شرکت بانوان در فعالیت‌های ورزش تفریحی". فصلنامه مدیریت ورزشی. شماره اول. سال اول. بهار ۱۳۹۱. صص ۱۳۱-۱۱۷.
۹. کشکر، سارا؛ قاسمی، حمید و شیرویی، اعظم (۱۳۹۱). "رابطه مؤلفه‌های مدیریت اخبار و گزارش‌های ورزشی با گرایش جنسیتی در مطبوعات ورزشی". فصل‌نامه مدیریت ورزشی.
۱۰. محمدی، بنفشه (۱۳۹۱). "استعدادیابی ورزشی". انتشارات علم و حرکت.
۱۱. منظمی، مریم؛ علم، شهرام و شتاب بوشهری، سیده ناهید (۱۳۸۹). "تعیین عوامل مؤثر بر توسعه‌ی تربیت‌بدنی و ورزش بانوان". مدیریت ورزشی. شماره ۱۰. پاییز ۱۳۹۰. صص ۱۶۸-۱۵۱.
۱۲. مومنی، علیرضا؛ همتی، امین و مرادی، هادی (۱۳۹۱). "شناسایی و اولویت‌بندی موانع پیش روی بانوان در انجام فعالیت‌های ورزشی". مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۲۴. مرداد و شهریور ۱۳۹۳. صص ۱۳۰-۱۱۱.
۱۳. نورعلیوند، علی؛ ملکی، امیر؛ پارسا مهر، مهربان و قاسمی، حمید (۱۳۹۶). "تبیین جامعه‌شناختی مشارکت ورزشی زنان با تأکید بر هنجارهای جنسیتی (مطالعه موردی استان ایلام)". فصلنامه فرهنگ ایلام. دوره هیجدهم، شماره ۵۶ و ۵۷.